

دستور شناختی زبان انگلیسی. گونتر رادن و رنه دیرون، مؤسسه

انتشاراتی جان بنجامینز، ۲۰۰۷، ۳۷۴ صفحه.^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۱۵

مقدمه

کتاب دستور شناختی زبان انگلیسی، دومین کتاب از مجموعه کتاب‌های زبان‌شناسی شناختی در عمل، کتابی درسی برای دانشجویان دوره کارشناسی و دانش‌آموختگان زبان انگلیسی و زبان‌شناسی است که با هدف کمک به درک بهتر بخش‌های مختلف دستور مانند اسامی قابل شمارش، اسامی عام، کمیت‌نماها، جنبه فعل، زمان دستوری و حروف اضافه از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی تألیف شده است. تألیف یک کتاب درسی درباره حوزه‌های چالش‌برانگیز و بعضاً سلیقه‌ای در حیطه دستور زبان کار ساده‌ای نیست و مؤلفان کتاب، رادن و دیرون (۲۰۰۷) با قالب‌ریزی لایه‌های اصلی نظریه زبان‌شناسی شناختی - مانند دستور شناختی لانگاکر، نظریه استعاره مفهومی، فضای ذهنی - به‌خوبی به آن تحقق بخشیده‌اند. کتابی که آنان تألیف کرده‌اند، دیدگاه متعادلی را بین این نظریه از یک سو و حوزه‌های انتخابی دستور زبان از سوی دیگر، ارائه می‌کند.

آنچه اساس کتاب را تشکیل می‌دهد این است که دستور زبان در قوای شناختی افراد نهفته است به این معنی که ریشه در تجربیات افراد از جهان خارج دارد. کتاب دستور شناختی زبان انگلیسی این دیدگاه را به خواننده می‌دهد که دستور بخشی از شناخت اوست و زمینه برای تحقیق و مطالعه در این مورد بسیار وسیع است. ارزیابی صوری (کالبدشناسی کتاب)

کتاب مورد بحث از نظر صوری یا کالبدشناسی اعتبار خوبی دارد و از ویژگی‌های مهم این نوع ارزیابی که شامل مخاطب‌محوری، کفایت در پاسخ‌گویی، وحدت موضوع، آموزشی بودن محتوا، نمایه‌سازی و سیستم ارجاع‌دهی است، برخوردار است. به عبارت روشن‌تر، همان‌گونه که مؤلفان اعلام کرده‌اند، این اثر، یک کتاب درسی است و برای دانشجویان دوره کارشناسی و

1. Radden G. & Dirven R., (2007). *Cognitive English Grammar*. V2, Cognitive Linguistics in Practice Series. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins

دانش‌آموختگان زبان انگلیسی و زبان‌شناسی با هدف کمک به درک بهتر بخش‌های مختلف دستور نوشته شده است. با مطالعه کتاب مشخص می‌شود، این اثر از معیار مخاطب‌محوری برخوردار است و پاسخی به نیازهای خواننده است که به‌درستی همسو با معیار تناسب و پاسخ‌گویی نگاشته شده است، چراکه همواره دانشجویان از طریق نیازهای خود با کتاب‌های درسی پیوند می‌خورند. مؤلفان با سیری منطقی، فصل‌ها و زیرفصل‌های کتاب را تنظیم کرده‌اند که این کار نوعی وحدت موضوع به اثر بخشیده است. آموزش رویدادی وحدت‌گراست و این رویداد ذهنی نیازمند شرایط و عناصر منسجم و یکپارچه است تا در کیفیت یادگیری اثربخش باشد. در همین راستا، شرط آموزشی بودن محتوا در نقد یک کتاب درسی مطرح می‌شود که کتاب مورد بحث، با روشی ساده و روان و با استفاده از جملات روشن و عاری از پیچیدگی و ارائه نمونه‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که آموزش از اهداف اصلی در نگارش آن بوده است. اما درباره نمایه‌سازی، بهتر بود واژه‌نامه‌ای برای واژه‌های پیچیده و چندمعنا و همچنین اصطلاحات انگلیسی در کتاب پیش‌بینی می‌شد تا دانشجویانی که زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان دوم می‌آموزند، درک درستی از آن پیدا کنند. البته کتاب از سیستم ارجاع‌دهی نسبتاً خوبی نیز برخوردار است.

ارزیابی محتوایی (اعتبارسنجی کتاب)

این کتاب شامل دوازده فصل است که در چهار بخش قرار داده شده‌اند. بخش اول با عنوان چارچوب شناختی اساس نظری بخش‌های بعدی را با معرفی مفاهیم پایه‌ای در نظریه زبان‌شناسی شناختی فراهم آورده است. فصل یک کتاب، با معرفی مفاهیمی چون مقوله‌بندی که از واحدهای اساسی فکر و زبان است شروع می‌شود و نشان می‌دهد چگونه پردازش‌های شناختی در مقوله‌ها رخ می‌دهند. مؤلفان در این فصل به سه پردازش شناختی پرداخته‌اند: شکل‌گرفتن مقوله‌ها، دسته‌بندی مفهومی مقوله‌ها و بسط مقوله‌های مفهومی و زبانی از طریق مجاز و استعاره. آنان تعاریفی هم از اصطلاحات مهمی چون نمونه نخستین، چارچوب، دامنه، مجاز، استعاره و استعاره مفهومی در این فصل آورده‌اند. در فصل دو، عملکردهای شناختی که در تولید و درک زبان به‌کار گرفته می‌شوند موضوع بحث قرار گرفته‌اند؛ که در این راستا سه نوع عملکرد در این بخش معرفی می‌شوند: تفسیر افکار در گفتار، ساختن فضاهای ذهنی در

مکالمه و ترسیم استنباطِ شنونده. این عملکردها نشان می‌دهند که شناخت، درک و زبان ارتباطِ درونی نزدیکی با هم دارند. در این فصل همچنین مفاهیم اصلی زبان‌شناسی شناختی شامل شکل و زمینه، فضای ذهنی، تلفیق ادراکی و استنباط تعریف شده‌اند. فصل سه، چگونگی ارتباط واحدهای مفهومی را با مشارکت‌کننده‌های یک مکالمه نشان می‌دهد و چنین بیان می‌کند که زبان‌شناسی شناختی ثابت کرده است که فکر انسان مبتنی بر دو نوع واحد مفهومی سازماندهی می‌شود؛ یعنی اشیا و روابط اشیا و رابطه‌های بین آنها هسته مفهومی و در نهایت یک موقعیت را شکل می‌دهند. به‌عنوان نمونه، جمله، یک مشارکت‌کننده زبانی در موقعیت مفهومی است.

بخش دوم با عنوان چیزها: اسامی و عبارات اسمی، درباره چیزهای پیرامون ما که یکی از مفاهیم اصلی در زبان‌شناسی شناختی است و همچنین درک زبان‌شناختی آنها اطلاعاتی ارائه کرده است. سه فصلی که در این بخش آمده‌اند توضیح می‌دهند که چگونه این چیزها از طریق ارجاع به جهان خارج، به‌وسیله کمیت‌نماهای عددی و مجموعه‌ای قابلیت اندازه‌گیری پیدا می‌کنند و با مخصص‌ها دارای معنای درستی می‌شوند. به‌طور واضح‌تر، فصل چهار، تمایز بین انواع چیزها و زیرمقوله‌های اسمی مرتبط با آنها را توضیح داده است. در این فصل همچنین به تفاوت بین شیء و محتوا نیز اشاره شده است. فصل پنجم از چیزهایی مثال می‌زند که قابل ارجاع‌اند و در یک گفتمان توسط گوینده و شنونده به اشتراک گذاشته می‌شوند. گوینده از طریق عبارات ارجاعی زمینه چیز را بنا می‌کند و وقتی فکر می‌کند شنونده متوجه موضوع نشده است، از ارجاع مشخص و معینی استفاده می‌کند. ارجاع معین برای مواردی به‌کار می‌رود که هم برای گوینده و هم شنونده در دسترس باشد. برای نمونه، هنگامی که گوینده به یک دسته و یا گونه‌ای از چیزی ارجاع می‌دهد، ارجاع عمومی یا کلی به‌کار گرفته می‌شود. فصل شش نیز به اندازه‌گیری چیزها به‌وسیله کمیت‌نماها اختصاص دارد. این کار عمدتاً با اعداد و کمیت‌نماها نشان داده می‌شود. مؤلفان دو راه برای این منظور معرفی کرده‌اند: بررسی برحسب مجموعه و بررسی برحسب مقیاس. کمیت‌نماهایی مانند *each*، *every* و *all* کمیت‌نماهای مجموعه‌ای هستند و *many* و *much* کمیت‌نماهای مقیاسی‌اند. این فصل با توضیح تفاوت‌های این کمیت‌نماها در زمان کاربرد در ساختارهای بخشی^۱ پایان می‌یابد. در فصل هفت،

خود چیزها مورد بحث هستند. این فصل توضیح می‌دهد که استفاده از مخصص‌ها در کنار اسامی، گوینده و شنونده را در اینکه یک مصداق مشترک دارند، مطمئن می‌کند. جایگاه مخصص‌های زبان انگلیسی نیز به دو دسته تقسیم شده است: پیش از اسم و پس از اسم.

بخش سوم کتاب با عنوان موقعیت‌ها به عنوان واحدهای زمانی: جنبه، زمان دستوری و وجه، نوع دیگری از شناخت بشر را به بحث گذاشته است. در زبان‌شناسی شناختی موقعیت‌ها به‌عنوان واحدهای زمانی دولایه معرفی می‌شوند: لایه درونی مانند انواع موقعیت‌ها و لایه خارجی مانند زمان گفتار. در فصل هشت موضوع بحث جنبه فعل و فرض کردن آن به‌عنوان آن صورت دستوری است که گوینده در انتخاب یک موقعیت استفاده می‌کند. مؤلفان کتاب همچنین در این فصل توضیح می‌دهند که در زبان انگلیسی دو نوع جنبه وجود دارد: استمراری و غیر استمراری. فصل نه نیز راه‌های ایجاد موقعیت‌ها را در زمان، به‌وسیله زمان دستوری، توضیح داده است. همچنین بیان می‌شود که در زبان‌شناسی شناختی زمان دستوری راهی است که موقعیت از دید گوینده در آن واقع می‌شود و وقتی لحظه‌ای از گفتار به‌عنوان کانون اشاره بیان می‌شود، سه زمان دستوری اصلی پدید می‌آید: زمان حال، زمان گذشته و زمان آینده. در زبان انگلیسی نه زمان دستوری در نظامی پیوسته مبتنی بر مفاهیم زمان گفتار، زمان وقوع عمل و نقطه ارجاع وجود دارد. فصل ده کتاب به ایجاد موقعیت‌ها در جهان بالقوه که در زبان انگلیسی با عبارات وجهی نشان داده می‌شوند پرداخته است. این فصل دو نوع اصلی وجه در زبان انگلیسی را معرفی کرده است که عبارت‌اند از وجه شناختی و وجه ریشه که خود باز به سه زیردسته وجه الزامی، وجه ذاتی و وجه حالت تقسیم می‌شوند. ساختار این فصل بسیار شبیه فصل شش است.

بخش چهارم با عنوان موقعیت‌ها به‌مثابه واحدهای رابطه‌ای: ساختار جمله، شامل مباحثی در رابطه با ساختار مفهومی موقعیت‌ها و همتای زبان‌شناختی آنها در جملات است. این بخش دو فصل را دربرمی‌گیرد که موضوع طرح‌واره‌ها، فضا و توصیفات استعاری آنها را مطرح کرده‌اند. فصل یازده روی طرح‌واره‌های پایه و روش رمزگشایی آنها در الگوهای جملات پایه انگلیسی تمرکز دارد. نویسندگان کتاب در این فصل کنش‌گر و تجربه‌گر^۱ را به‌عنوان اجزای اصلی یک طرح‌واره واقعه معرفی و سپس، این طرح‌واره‌ها را به انواعی با نام‌های طرح‌واره احساسی،

طرح‌واره عمل و طرح‌واره انتقالی تقسیم کرده‌اند. فصل آخر، فصل دوازده، نگاهی دارد به نقش‌هایی که معمولاً به هسته یک موقعیت تعلق ندارند. این نقش‌ها مفاهیم فضا، زمان، محیط، سبب، دلیل، هدف و از این قبیل را توضیح می‌دهند. بحث این فصل حول محور فضاست؛ همچنین یافته‌های تحقیقات زبان‌شناسی شناختی را نیز در رابطه با عبارات حرف اضافه‌ای معرفی می‌کند.

این کتاب از دو جنبه تفاوت قابل ملاحظه‌ای با کتاب‌های سنتی دستور زبان دارد. نخست آنکه، برپایه یک نظریه استوار است و سعی دارد تحلیل دستور را با یک نظریه علمی تکمیل و در نهایت یکی کند. دوم آنکه، یافته‌های حاصل از تحلیل دستور از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی را یک‌دست می‌کند و رویکرد تازه‌ای را در تحلیل‌های دستوری زبان نشان می‌دهد. مؤلفان کتاب علاوه بر معرفی یافته‌های حاصل از تحلیل‌های زبان‌شناسی شناختی درباره دستور و ارائه یک رویکرد نو به بررسی این بخش از زبان، به خوبی توانسته‌اند درهم‌تنیدگی روابط جهان خارج با مفهوم‌سازی ذهن انسان و همچنین نظام نشانه‌شناختی زبان را به خواننده نشان دهند. این کتاب با ارائه مثال‌ها، تصاویر و تعاریف خلاصه‌شده از اصطلاحات کلیدی فراوان، می‌تواند کتاب درسی بسیار خوبی برای دوره‌های مقدماتی زبان‌شناسی شناختی باشد. منابعی که در پایان هر فصل آمده است راهنمای خوبی برای دانشجویان برای کسب اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر درباره این نظریه است. نویسندگان کتاب تمام ساختارهای زبان انگلیسی را پوشش نداده‌اند و شاید تنها نکته‌ای که بهتر بود در این رابطه در نظر گرفته می‌شد، پرداختن به بخش‌های مهمی از زبان مانند عبارات فعلی، ساخت‌هایی مانند جملات پرسشی و امری و کاربرد زبان در سطح گفتمان و کاربردشناسی است. گاهی مثال‌ها نیز مانند مثال‌های کتاب‌های متداول و سنتی دستور، دور از کاربرد طبیعی افرادند که در نظر گرفتن رویکرد پیکره‌بنیاد یا مبتنی بر گفتمان در گردآوری مثال‌ها می‌توانست این ایراد را برطرف کند. در مجموع، کتاب دستور شناختی زبان انگلیسی یکی از بهترین کتاب‌های دستوری است که با دیدگاهی شناختی دستور زبان را به‌صورت نظامی یکپارچه معرفی می‌کند و آموزش می‌دهد.

لیلا شریفی^۱

داشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

منابع

- افضلی، مهدی (۱۳۸۷). اصول و مبانی نقد کتاب. دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله.
بارت، رولان (۱۳۶۸). نقد تفسیری. ترجمه محمدتقی غیائی، تهران: بزرگمهر. موجود در :
بهرام‌بیگی، مه‌ری (۱۳۸۵). «درآمدی بر نقد». سخن سمت. ش ۱۷، ۳۲-۲۱.
زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۵۴). نقد ادبی. ج ۱، تهران: امیرکبیر.
سرشار، محمدرضا (۱۳۸۴). «انواع نقد ادبی». موجود در :
<http://www.sarshar.org/teach/naghd4.htm>
ملکی، حسن (۱۳۸۵). «نقد کتاب درسی (تعریف معیارها): مبانی و معیارهای نقد کتاب درسی
دانشگاهی». پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی. ش ۱۷، ۲۰-۷.

